

## گزارش مقدماتی از طرح کاوش باستان‌شناختی محوطه اوجاق آرتاوایل تایر اردبیل

سعید ستارنژاد

دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل

saeidsattarnejad@yahoo.com

محمد رضا شایقی

دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

منوچهر نورزاده

کارشناس ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

علی مهری رویندزق

دانشجوی کارشناسی ارشد باستان‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس

ماهان یونس‌پور

دانشجوی کارشناسی باستان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی

( تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۹/۲۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۲/۰۶ )

## چکیده

یافته‌های سطحی به دست آمده از محوطه اوجاق، واقع در داخل کارخانه آرتاوایل تایر اردبیل نشان می‌دهد که محوطه، استقرار ضعیف در قالب کوچ‌روی از دوران اسلامی را داشته است. به منظور مشخص کردن وضعیت محوطه، در بهار سال ۱۴۰۰ شمسی، عملیات کاوش باستان‌شناختی در آن انجام شد. این نوشتار به منظور مطالعه تطبیقی داده‌های فرهنگی به دست آمده از یک فصل کاوش باستان‌شناختی در این محوطه است. در این پژوهش نگارندگان براساس نتایج به دست آمده از یک فصل کاوش باستان‌شناختی و با شیوه مطالعه کتابخانه‌ای و به روش توصیفی – تطبیقی به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر هستند: ۱- چه دوره‌های فرهنگی در محوطه اوجاق آرتاوایل تایر به دست آمده است؟ ۲- متغیرهای محیطی چه تاثیری بر مکان‌گزینی این محوطه داشته است؟ ۳- الگوی استقرار در این محوطه به چه صورت بوده است؟ در پاسخ به پرسش‌های فوق، نتایج به دست آمده از کاوش محوطه و مطالعه تطبیقی یافته‌های فرهنگی، مشخص نمود که محوطه در سده میانی اسلام در قالب استقرار موقت مورد استفاده جوامع کوچ‌رو قرار گرفته است. نتایج دیگر این پژوهش نشان می‌دهد که دشت اردبیل به دلیل داشتن شرایط زیست‌محیطی مناسب از دوران گذشته تاکنون مورد توجه جامعه عشایر بوده و شواهدی در قالب استقرار اترافی (ماندگاه) از خود در این محوطه، برجای گذاشته‌اند.

واژگان کلیدی: دشت اردبیل، قرون میانی اسلام، محوطه اوجاق، استقرار فصلی.

## مقدمه:

باستان‌شناختی و پس از آن برنامه‌ریزی برای کاوش- های هدفمند در محوطه‌های استقراری (تپه‌ها) در کنار سایر محوطه‌هاست. هرچند طرح‌های هدفمند باستان‌شناسی اعم از بررسی و کاوش در ایران به دلیل عدم اختصاص اعتبار کافی عموماً با کاستی‌ها و ضعف‌های دنبال می‌شود، با این حال در سال‌های اخیر بخش عمده فعالیت‌های باستان‌شناختی در قالب فعالیت‌های نجات‌بخشی و اضطراری انجام شده است. چنین فعالیت‌های عموماً بدون پرسش و فرضیه‌های از پیش مطرح شده، انجام می‌شوند، با این حال در صورت انجام روش مناسب کاوش و مستندنگاری داده‌های فرهنگی، اطلاعات جامع و خوبی می‌توان کسب کرد. استان اردبیل از این قاعده مستثنی نبوده و بخشی از دانسته‌های پژوهشگران از فرهنگ‌های منطقه در سایه چنین فعالیت‌های مشخص شده است.

محوطه اوجاق آرتاوایل تاپیر با عنوان یکی از محوطه- های دوران اسلامی دشت اردبیل در فعالیت توسعه ساختمان اداری کارخانه لاستیک‌سازی آرتاوایل تاپیر مورد کاوش باستان‌شناختی قرار گرفت. کاوش این محوطه هرچند در راستای کاوش اضطراری بوده و پژوهشگر بدون اهداف و برنامه‌ریزی قبلی در این محوطه فعالیت باستان‌شناختی انجام داده است؛ با این حال نتایج به دست آمده از یک فصل کاوش باستان‌شناختی در آن منجر به شناخت نسبی از وضعیت فرهنگی منطقه در سده میانی اسلام شد. این

دشت اردبیل در دامنه‌های شرقی رشته کوهستان سبلان قرار دارد. این دشت یکی از مناطق مهمی است که در مطالعات باستان‌شناختی پهنه شرقی منطقه شمال‌غرب ایران بسیار مهجور واقع شده و پژوهش- های محدودی در آن انجام شده است. این منطقه به دلیل داشتن منابع طبیعی غنی، بستری مناسب برای شکل‌گیری جوامع انسانی بوده و محوطه‌های وسیعی در آن شکل گرفته است. با این حال دشت مذکور، از منظر مطالعات باستان‌شناختی کمتر مورد توجه بوده و معدود پژوهش‌های انجام شده در محوطه‌های چون جمعه مسجد (یوسفی، ۱۳۹۸)، هفت فصل کاوش در مجموعه شیخ صفی توسط محمود موسوی، کاوش قلعه خسرو (رضالو، ۱۳۸۴)، قلعه بوبینی، قره حسنلوی، کاروانسرای زنجیرلو واقع در بازار سرپوشیده، شواهدی از دوره‌های مختلف فرهنگی را نشان داده است. تمرکز عمده مطالعات باستان‌شناسی در استان اردبیل، عموماً پیرامون محوطه‌های گورستانی و قلعه بوده است. همین عامل سبب شده تا شناخت کمتری از وضعیت محوطه‌های استقراری (تپه) در این استان در دست باشد. از طرفی نبود مطالعات منسجم و لایه‌نگاری تپه‌های باستانی، این دشت، سبب کاستی‌های فراوان در زمینه گاهنگاری و توالی فرهنگی آن شده است. برای دستیابی به اطلاعات جامع پیرامون فرهنگ‌های این منطقه در دوره‌های مختلف، نیازمند انجام بررسی‌های منسجم

پیشینه مطالعات باستان‌شناختی در استان اردبیل، به سده ۱۹ میلادی باز می‌گردد. برای نخستین بار در فاصله سال‌های ۱۸۹۹ تا ۱۹۰۱ میلادی، ژاک دمورگان اولین باستان‌شناسی است که ضمن ثبت اطلاعات جغرافیایی و مردم‌شناختی منطقه به بررسی آثار باستانی کوهپایه‌های شرقی دشت اردبیل پرداخت. وی در گورستان‌های عصر مفرغ جدید شهرستان نمین، کاوش‌هایی انجام داد (Demorgan 1905: 267-305). کاوش‌های بعدی در این استان عموماً توسط هیات‌های ایرانی چون سیف‌الله کامبخش‌فرد (۱۳۴۶)، مرتضی حصاری و حسن اکبری (۱۳۸۴)، علیرضا هژبری نویری (۱۳۸۳)، کریم علیزاده (۱۳۸۳)، علی‌اکبر سرفراز، رضا رضالو، محمود موسوی، حسن یوسفی (۱۳۹۸)، روح‌الله محمدی (۱۳۹۸)، کریم حاجی‌زاده (۱۳۹۳)، فریبرز طهماسبی، قادر ابراهیمی و سایر باستان‌شناسان ایرانی انجام شده است. در کنار کاوش‌های باستان‌شناختی در استان اردبیل، بررسی‌های نیز توسط هیات‌های خارجی و ایرانی انجام شده که از جمله مهم‌ترین بررسی‌های می‌توان به بررسی‌های هیات باستان‌شناسی به سرپرستی چارلز برنی (Ingraham and Summers 1979)، هیات آلمانی به سرپرستی ولفرام کلایس (Kleiss 1969: 188-191) و هیات‌های ایرانی به خصوص بررسی دشت مغان توسط کریم علیزاده اشاره کرد.

با دقت در این پژوهش‌ها مشخص می‌شود که عمده کاوش‌های انجام شده در این منطقه، پیرامون

پژوهش در راستای پاسخ به پرسش‌های زیر انجام شده است: ۱- چه دوره‌های فرهنگی در محوطه اوجاق آرتاوایل تایلر به دست آمده است؟ ۲- متغیرهای محیطی چه تاثیری بر مکان‌گزینی این محوطه داشته است؟ ۳- الگوی استقرار در این محوطه به چه شکلی بوده است؟ محوطه اوجاق آرتاوایل تایلر جزء معدود محوطه‌های استقرار دشت اردبیل بوده که مورد کاوش باستان‌شناختی قرار گرفته است و نتایج کاوش آن در قابل نوشتار حاضر ارائه می‌شود.

### روش پژوهش

این پژوهش نتایج به دست آمده از کاوش محوطه اوجاق آرتاوایل تایلر اردبیل است. در این پژوهش از دو شیوه فعالیت میدانی و مطالعات کتابخانه‌ای استفاده شده است. نخست شیوه میدانی که متکی به عملیات کاوش باستان‌شناختی در محوطه اوجاق آرتاوایل تایلر بوده که در این کاوش از سیستم ثبت و ضبط لوکوس استفاده شده است. در مرحله کتابخانه‌ای ضمن مطالعه داده‌های فرهنگی به دست آمده از کاوش محوطه، به تجزیه و تحلیل این یافته‌ها پرداخته و با روش مطالعه تطبیقی، گاهنگاری نسبی برای این آثار ارائه شده است. به‌طور کلی شیوه انجام مطالعات کتابخانه‌ای در این پژوهش به روش توصیفی - تطبیقی است.

### پیشینه پژوهش

راستای شرقی - غربی حدود ۱۵۵ متر و شیب یال‌های اثر در چهار جبهه بسیار ملایم بوده و سطح آن نیز هموار است. بالاترین سطح محوطه (نیمه مرکزی) از جاده آسفالته حدود ۶ متر می‌باشد. در دهه‌های گذشته، از سطح محوطه برای کشت یونجه استفاده می‌شده که امروزه آثاری از کشت آن قابل مشاهده است.

### ترانسه‌های کاوش شده

برای کاوش محوطه آرتاویل تیر اردبیل، تعداد ۸ ترانسه در قسمت‌های مختلف محوطه با هدف کشف و شناسایی ساختارهای معماری و مشخص نمودن وضعیت لایه‌های فرهنگی محوطه ایجاد شده است. ابعاد ترانسه‌ها بسته به آثار سطحی محوطه (سازه‌های معماری) متغییر بوده است. این ترانسه‌ها در راستای شمالی - جنوبی ایجاد شده‌اند. نام‌گذاری ترانسه‌ها به ترتیب از سمت جنوبی محوطه با شماره ۱ آغاز و به صورت ساعتگرد تا شماره ۸ ادامه پیدا کرد. لایه سطحی هر ترانسه با عنوان لوکوس نخست تشریح شده است. تمامی شواهد فرهنگی به دست آمده در داخل ترانسه‌ها، با شماره لوکوس و ثبتی مجزا مستندنگاری شده و سپس مورد بررسی و مطالعه قرار گرفته است. در این ترانسه‌ها شواهدی از ساختارهای معماری موقت، گور دوران اسلامی، چاله‌های دفن زباله و سایر یافته‌های فرهنگی چون قطعات سفالی، اشیاء فلزی، اشیاء سنگی به دست آمده است (جدول ۱).

گورستان و قلعه متمرکز بوده است. محوطه اوجاق آرتاویل تیر با عنوان یکی از اولین محوطه‌های استقرار دشت اردبیل بوده که مورد کاوش باستان‌شناختی قرار گرفته است. این محوطه پیش از این کاوش، تنها توسط کارشناسان اداره میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی استان شناسایی شده بود. بر همین اساس پژوهش حاضر برای نخستین بار به مطالعه و بررسی این محوطه پرداخته است.

### موقعیت جغرافیایی محوطه اوجاق

محوطه آرتاویل تیر در شمال غرب ایران و استان اردبیل واقع شده است. این (مرکز محوطه) در مختصات جغرافیایی N: ۵۹,۳۱۹ ۳۸ و E: ۵۱,۳۵۳ ۴۷ در فاصله ۶ کیلومتری شمال غربی شهر اردبیل، داخل کارخانه لاستیک‌سازی آرتاویل تیر با متوسط ارتفاع ۱۴۰۰ متری از سطح آب‌های آزاد قرار گرفته است. این محوطه در یک دشت پای‌کوهی رشته - کوهستان سبلان واقع شده و مسیر آبرفت‌های این کوهستان است. دشت اردبیل، یکی از دشت‌های حاصلخیز بوده و اُتراق ایل‌های مختلف عشایر می‌باشد. همین موقعیت مناسب طبیعی و دسترسی به منابع آبی و غذایی کافی، سبب شده تا این دشت از گذشته تا امروز مورد توجه جوامع انسانی بوده و محوطه‌های مختلف در آن شکل گرفته است. از نظر توپوگرافی محوطه به شکل یک بیضی بوده که روی پشته‌ای طبیعی قرار گرفته است. بیشترین طول پشته در راستای شمالی - جنوبی حدود ۱۶۵ متر و در

### ساختارهای معماری

در کاوش ترانشه‌های ۱ (Tr. 1)، ۲ (Tr. 2)، ۴ (Tr. 4) و ۶ (Tr. 6)، شواهدی از ساختار معماری شناسایی و مستندنگاری شد. این ساختارهای معماری مستقیم روی خاک بکر محوطه با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای بدون تراش ایجاد شده است. ساختارهای معماری شناسایی شده در ابعاد مختلف بوده که بیشترین طول شناسایی شده ۲۲۰ سانتی‌متر و عرض ۵۰ سانتی‌متر و ارتفاع ۳۰ سانتی‌متر است. این ساختارها عموماً به شیوه تک ردیف و خشکه-چین بوده و فاقد فضاهای چهار گوش هستند. باتوجه به نبود حجم آوار و ارتفاع کم این دیواره‌ها که تنها یک ردیف سنگ‌چین دارند، نشان می‌دهد که این قلوه‌سنگ‌ها، به منظور استحکام بیشتر در اطراف چادرها قرار داده شده است. مشاهده میدانی از چادرهای شاه‌سون منطقه، نشان می‌دهد که امروزه نیز برای استحکام بیشتر چادر، اطراف آن‌را با سنگ‌های احاطه می‌کنند.

### گورهای دوران اسلامی

در نیمه جنوبی محوطه در کاوش گمانه شماره ۸ بقایای از یک گور متعلق به دوران اسلامی به دست آمد (تصویر ۳). این گور، به صورت چاله‌ای و بدون ساختار معماری در بستر لایه رسوبی ایجاد شده‌اند. گور در راستای شرقی - غربی بوده و اسکلت رو به سمت جنوب و اندکی مایل به سمت غرب متمایل شده است و جمجمه به پهلو راست قرار دارد و

صورت به سمت قبله است. با توجه به رطوبت نسبی بالای ماسه، استخوان‌ها متلاشی شده‌اند. طول کلی اسکلت از فرق سر تا نوک انگشتان پاها، در راستای شرقی - غربی ۱۲۸ سانتی‌متر و بیشترین عرض آن، حد فاصل میان استخوان‌های بازوها ۴۸ سانتی‌متر است. دندان‌های فک پایین نسبت به فک بالایی، از سلامت بهتری برخوردار بوده و اسکلت متعلق به یک زن میان‌سال است.

داخل گور مملو از خاک نرم بوده که به نظر می‌رسد به مرور زمان به درون گور ریخته شده است. بعد از برداشت خاک درون گور اسکلت شناسایی شد. اسکلت در داخل چاله به صورت شرقی - غربی بوده و صورت در نیمه غربی و به سمت جنوب قرار گرفته است. جمجمه به پهلو راست خوابیده و پشت سر رو به سمت شمال است. جمجمه در قسمت غرب و پاها رو به سمت شرق که اندکی به جنوب متمایل شده است. اسکلت به پهلو راست و به صورت نیمه جمع شده، دفن شده است. بالاتنه کاملاً به پهلو راست بوده و دست چپ در بالا و دست راست در زیر قرار گرفته است. جمجمه اسکلت، وضعیت نامطلوبی داشته و به صورت شکسته و ناقص است. بیشترین طول جمجمه از ناحیه پیشانی تا قسمت پس سری، ۱۸ و بیشترین عرض از زیر چانه تا بالای سر، ۱۶ سانتی‌متر است. وضعیت جمجمه چندان مناسب نبوده و به صورت شکسته و ناقص است. بالاترین سطح جمجمه متعلق به سمت چپ و در قسمت گیجگاهی بوده که در

فرهنگی به صورت برجها در لوکوس‌های مشخص خود، مستندنگاری و پس از آن برداشت شدند. برای ثبت داده‌های فرهنگی به دست آمده از هر لوکوس، شماره ثبتی مجزی در نظر گرفته شد و اعداد ثبتی از هزار (۱۰۰۰) شماره‌گذاری شدند. مشخصات کلی این یافته‌های فرهنگی به صورت دقیق ثبت و ضبط شده است (جدول ۳)، همچنین در بررسی سطحی محوطه یک قطعه دست‌افزار ابسیدینی و یک دستبند شیشه‌ای ناقص به دست آمد. نمونه‌های از این دستبند شیشه‌ای در کاوش محوطه قصر ابونصر (Whitcomb, 1985: 206)، قصر القدیم (Watson et al, 1980: 239)، شیروان آذربایجان (Abbasova, 2019: Tablo 31) هرات (Franke & Urban, 2017: 159)، یئل سویی گرمی و جمعه مسجد اردبیل به دست آمده است. دامنه‌های کوهستان سبلان، به دلیل شریط زیست‌محیطی مناسب اعم از دشت‌ها و مراتع حاصل‌خیز، رودخانه‌های پرآب فصلی و هوای معتدل بستری مناسب برای شکل‌گیری و استقرار جوامع انسانی در طول تاریخ بوده است. در دامنه‌های این کوهستان محوطه‌های متنوعی از دوره‌های مختلف فرهنگی شناسایی و مورد مطالعه قرار گرفته است. معدود کاوش و بررسی‌های باستان‌شناختی که در این دشت انجام شده، مشخص نمود که بخشی از الگوی استقراری جوامع این منطقه بدون ارتباط با محوطه-های استقراری بوده و عموماً جوامع سیار (کوچرو) با استقرارهای فصلی هستند. چنین شیوه معیشت

عمق ۵۰- سانتی‌متر از بالاترین سطح گور قرار گرفته است. مجموعه در ناحیه صورت و گیجگاهی شکسته شده و متلاشی شده است. فک زیرین و فوقانی اسکلت نیز به صورت کامل شکسته و ناقص است. قسمتی از فک پایین باقی‌مانده که اطراف آن تعداد ۹ عدد دندان باقی‌مانده که دندان‌ها نیز وضعیت مطلوبی دارند. بالاتنه اسکلت نسبتاً سالم است استخوان‌های قفسه سینه در جای خود قرار دارد.

### یافته‌های سفالی

در کاوش ترانسه‌های محوطه اوجاق آرتاویل تایلر، تعداد ۲۴۰ قطعه سفال به دست آمد. این قطعات سفالی عموماً در لایه سطحی قرار داشتند. قطعات سفالی در اشکال ظرف کامل، لبه، بدنه، کف و دسته است. این سفال‌ها در دو دسته کلی سفال‌های بدون لعاب و لعابدار بوده و عموماً چرخ‌ساز هستند. این قطعات سفالی به طور دقیق در جدول مشخصات ثبت سفال مورد بررسی و مطالعه قرار گرفتند (تصویر ۴). سفال‌های این محوطه از نظر گاهنگاری نسبی با برخی از سفال‌های قرون میانی، برخی از محوطه‌های ایران و جمهوری آذربایجان قابل مقایسه است (جدول ۲).

### سایر یافته‌های فرهنگی

در کاوش ترانسه‌های شماره ۳ و ۵ یافته‌های چون ظرف مفرغی، مهره استخوانی، ظرف سفالی، سنگ کار شده به دست آمد (تصویر ۵). این داده‌های

امروزه نیز با گذشت سال‌ها، هنوز ادامه دارد. دامنه‌های سبلان مسکن عشایر شاه‌سون بوده است. کاوش باستان‌شناختی در محوطه اوجاق آرتاوایل تأییر مشخص کرد که لایه‌های فرهنگی غنی در این محوطه شکل نگرفته است. لایه استقرار این محوطه، عموماً به صورت تک دوره و با ضخامت حداکثر ۱۰ الی ۲۰ سانتی‌متری بوده است. عدم وجود لایه فرهنگی غنی و ساختارهای معماری ضعیف نشان می‌دهد که این محوطه در قرون میانی اسلامی مورد توجه جامعه کوچ‌رو بوده است. با توجه به اینکه محوطه اوجاق، روی یک پشته طبیعی با ارتفاع حدود ۴ متر از سطح زمین‌های اطراف بلندتر بوده و از طرفی به دشت‌های حاصل‌خیز و منابع آب دست‌رسی مناسب داشته و در این دوران مورد توجه جوامع کوچ‌رو قرار گرفته است. عشایر در ایام خاصی از سال روی این پشته طبیعی، سکونت موقت داشته‌اند و آثار فرهنگی از خود برجای گذاشته‌اند.

### نتیجه‌گیری

به‌طور کلی کاوش ترانسه‌های ایجاد شده در نقاط مختلف محوطه، نشان داد که محوطه از نظر لایه‌های فرهنگی بسیار ضعیف است. سطح محوطه یا به‌طور کلی لوکوس سطحی، دارای آثار بوده و لایه‌های زیرین بدون مواد فرهنگی است. بنابراین استقرار ضعیف متعلق به لایه سطحی محوطه می‌باشد. گاهنگاری نسبی سفال‌های به دست آمده از سطح محوطه و ترانسه‌های کاوش شده، عموماً متعلق به

سده میانی اسلام است، بنابراین نبود لایه‌های استقرار در محوطه و درصد بالای سفال‌های این دوره نشان می‌دهد که در قرون میانی اسلامی (سلجوقی)، یک استقرار ضعیف در قالب اُتراق (ماندگاه‌ها) عشایری روی پشته طبیعی شکل گرفته است که در برخی از ترانسه‌ها شواهدی از معماری ابتدایی و بسیار سست از آن شناسایی شد. حجم کم یافته‌های سفالی در سطح و ترانسه‌های کاوش شده و ساختارهای معماری ضعیف در محوطه، نشان دهنده استقرار موقت در محوطه است. آثار پیت‌ها و گورها نیز متعلق به این دوران می‌باشد. با توجه به اینکه منطقه از نظر دسترسی به مراتع و منابع آب بسیار غنی بوده محیطی مناسب برای چرای دام‌هاست؛ بنابراین در دوران اسلامی به‌خصوص قرون میانی اسلامی، عشایر منطقه، دسترسی مناسب به مراتع غنی و وسیع برای چرای دام‌های خود داشتند، بر همین اساس عشایر در ایام خاصی از سال (بیلاق) در سطح این پشته طبیعی اُتراق کرده و شواهد ضعیفی از بقایای معماری خود را برجای گذاشته‌اند. امروزه نیز این دشت، یکی از مناطق اصلی زیست عشایر دامنه‌های سبلان است. سنت کوچ عشایر و اُتراق‌گاه‌های آن به صورت کهن الگو با گذشت قرن‌ها هنوز در این دشت ادامه دارد و نام‌جای برخی از مناطق و روستاها چون حکیم قشلاقی و قاسم قشلاقی نشان دهنده چنین الگوهای استقراری در دشت اردبیل به خصوص در این نواحی است.

### سیاسگزاری

کامبخش فرد، سیف‌اله، ۱۳۴۶، گورخمره‌های پارسی، تهران: مرکز دانشگاهی.

کریمی، حمزه، قنبری، بهنام؛ عزیزی، حمید؛ بهاری، جواد، ۱۳۹۹، قلعه طارم زنجان، مجموعه مقالات ۱۸ گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش روح‌اله شیرازی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی.

محمدی، روح‌اله، ۱۳۹۸، گزارش کاوش محوطه آلاجوق، تهران: پژوهشکده باستان‌شناسی.

ولایتی، رحیم، ۱۳۹۸، گزارش فصل اول کاوش قلعه اوجان بستان آباد، تبریز: آرشیو میراث فرهنگی.

یوسفی، حسن، ۱۳۹۸، گزارش کاوش جمعه مسجد اردبیل، اردبیل: آرشیو میراث فرهنگی.

حاجی‌زاده، کریم، ۱۳۹۳، گزارش مقدماتی اولین فصل کاوش در گورستان احمد بیگلو، پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، تهران.

حصاری، مرتضی و اکبری، حسن، ۱۳۸۴، گزارش گمانه زنی تپه ایدیر اصلاندوز، گزارش‌های باستان‌شناسی، پژوهشکده باستان‌شناسی سازمان میراث فرهنگی، تهران.

رضالو، رضا، ۱۳۸۶، ظهور جوامع با ساختارهای پیچیده اجتماعی و سیاسی در عصر مفرغ جدید، رساله دکترای باستان‌شناسی، تهران؛ دانشگاه تربیت مدرس.

هژبری نوبری، علیرضا، ۱۳۸۳، گزارش مقدماتی سومین فصل کاوش محوطه شهریری، پژوهشکده باستان‌شناسی میراث فرهنگی، تهران.

Abbasova, Elmira, (2019), AZƏRBAYCAN  
MILLI ELMLER AKADEMIYASI

انجام این پروژه کاوش بدون مساعدت و همکاری بزرگوارانی چون میرروح‌الله محمدی، قادر ابراهیمی، مهدی گنجی، محمدرضا صادق‌نژاد و عباس اسماعیلی امکان‌پذیر نبوده است. از همه این عزیزان به پاس زحماتی که متحمل شده‌اند و راهنمایی‌ها و خدمات بی‌دریغشان تشکر و قدردانی می‌شود.

### پی‌نوشت

۱- کاوش محوطه اوجاق آرتاویل تایر با استناد به نامه شماره ۴۰۰۱۰۲۰۸ مورخ ۱۴۰۰/۰۲/۱۳ پژوهشگاه میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی به سرپرستی سعید ستارنژاد صادر شده است.

### منابع

رئوف، سولماز، محبوبی، سارا؛ کاظمی اعظم، مانا، ۱۳۹۹، املش، مجموعه مقالات ۱۸ گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش روح‌اله شیرازی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی صص ۴۱۳-۴۱۸.

ستارنژاد، سعید؛ رحمت‌پور، محمد؛ ژاله اقدم، جواد، ۱۴۰۰، گزارش مقدماتی کاوش باستان‌شناختی محوطه کبود - مدور مراغه، اثر، ۴۲ (۱)، ۶۲-۸۰.

فریدون‌پور، رزا، احمدی، شهلا، قنبری، بهنام، کریمی، حمزه، ۱۳۹۹، گزارش مقدماتی مطالعه بخش مرکزی شهرستان کامیاران کردستان، مجموعه مقالات ۱۸ گردهمایی سالانه باستان‌شناسی ایران، به کوشش روح‌اله شیرازی، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی، صص ۶۳۷-۶۴۴.



ARXEOLGIYA VA ETNOQRAFIYA  
INSTITUTU

Allan, J. W., & Ashmolean Museum (Oxford). 1971. *Medieval Middle Eastern Pottery*. Oxford: Ashmolean Museum.

De morgan, J. (1905), Recherches au Talych Persaen 1901. In *Necropoles des ages du Bronze et du fer*, MOP VIII PP 251- 345.

Franke, U., & Urban, T. (2017). Ancient Herat. *Research Reports of the German-Afghan Archaeological Mission to Herat, Afghanistan. Vol. 2. Excavations and Explorations in Herat City*.

Ingraham, M. L and Summers, G. (1979), Stelae and Settlements in the Meshkin Shahr North Eastern Azerbaijan, AMI, 12, Plain, pp. 67-102.

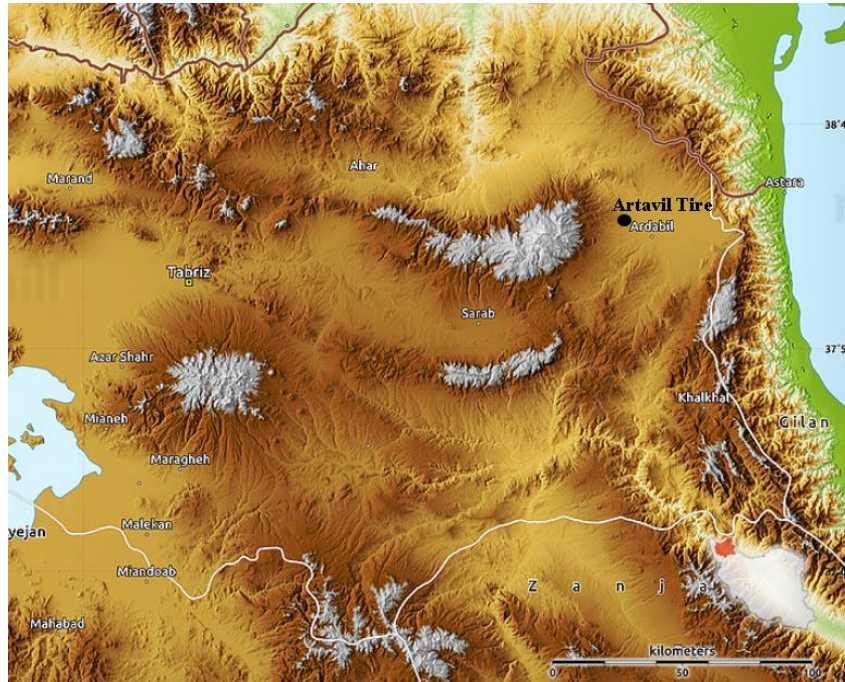
Kleiss, W. (1969). Bericht über zwei Kundungsfahrten in nordwest-Iran, *Archologische Mitteilungen aus Iran* 2: 7-119.

Kroll, S., & Kleiss, W. 1979. *Bastam I. Ausgrabungen in den urartäischen Anlagen 1972-1975*.

Treptow, T., & Whitcomb, D. S. (2007). *Daily Life Ornamented: The Medieval Persian City of Rayy*. Oriental Institute of the University of Chicago.

Watson, Donald S. Whitcomb and Janet H. Johnson: Quseir al-Qadun 1980. (American Research Center in Egypt Reports, Vol. 7.) xi, 406 pp. Malibu, California: *Undena Bulletin of the School of Publications*, 1982 *Oriental and African Studies*, 47(2), 413-413.

Whitcomb, D. S. (1985). *Before the roses and nightingales: excavations at Qasr-i Abu Nasr, Old Shiraz*. Metropolitan Museum of Art.



تصویر ۱- موقعیت محوطه اوجاق آرتاوایل تیر در شمال‌غرب ایران (نگارندگان، ۱۴۰۰)

یافته‌ها	ابعاد cm	مختصات (طول و عرض)	تراشه
بقایای ضعیف از ساختار معماری با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای	۲/۵ × ۲	- ۴۸,۱۹۶۱۵۹۲۰ ۳۸,۲۶۴۷۰۱۷۳	Tr. 1
بقایای ضعیف از ساختار معماری با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای	۲ × ۲	- ۴۸,۱۹۵۱۸۶۹۰ ۳۸,۲۶۴۸۱۱۷۸	Tr. 2
چاله دوران اسلامی، ظرف سفالی، مهره و قطعات سفالی	۲ × ۱	- ۴۸,۱۹۷۰۲۵۵۵ ۳۸,۲۶۵۵۴۹۳۷	Tr. 3
بقایای از ساختار معماری ضعیف	۵ × ۴	- ۴۸,۱۹۶۷۲۷۹۵ ۳۸,۲۶۵۶۷۰۳۶	Tr. 4
پیت دوران اسلامی، یافته‌های فرهنگی چون سفال، ظرف مفرغی و سنگ ساب	۱/۵ × ۱/۵	- ۴۸,۱۹۶۷۲۷۸۳ ۳۸,۲۶۵۶۷۰۴۶	Tr. 5
ساختارهای معماری ضعیف با قلوه‌سنگ‌های رودخانه‌ای	۶ × ۳	- ۴۸,۱۹۷۳۱۵۲۳ ۳۸,۲۶۵۷۴۸۳۸	Tr. 6
لایه سطحی دارای قطعات سفالی است	۱/۵ × ۳/۵	- ۴۸,۱۹۶۸۶۰۶۰ ۳۸,۲۶۵۸۳۷۸۸	Tr. 7
لایه سطحی دارای قطعات سفالی و گور اسلامی	۳ × ۲	- ۴۸,۱۹۶۱۶۷۲۵ ۳۸,۲۶۴۶۵۵۳۹	Tr. 8



تصویر ۲- نمونه‌ای از بقایای معماری کشف شده محوطه اوجاق (نگارندگان، ۱۴۰۰)



تصویر ۳- گور شماره ۱ (نگارندگان، ۱۴۰۰)



تصویر ۴- تعدادی از قطعات سفالی محوطه

جدول ۲- مشخصات قطعات سفالی

ردیف	قطعه	ضخامت	آمیزه	ساخت	پخت	کیفیت ساخت	رنگ بیرون	رنگ درون	نقش	مقایسه
۱	لبه	متوسط	کانی	چرخ	کافی	متوسط	قهوه‌ای روشن	لعاب شیری	کنده زیر لعاب	قلعه بسطام (Kroll & Kleiss, 1979), شهری (reptow & Whitcomb, 2007), موزه آشمولین (Allan, 1971),
۲	لبه	متوسط	کانی	چرخ	کافی	متوسط	قهوه‌ای تیره	قهوه‌ای تیره	-	-
۳	لبه	متوسط	کانی	چرخ	کافی	متوسط	نخودی	قهوه‌ای تیره	-	-
۴	لبه	متوسط	کانی	چرخ	ناکافی	متوسط	قهوه‌ای روشن	قهوه‌ای روشن	افزوده	-
۵	بدنه	ظریف	کانی	چرخ	کافی	ظریف	قهوه‌ای تیره	لعاب سبز	کننده زیرلعاب	اوجان بستان آباد (ولایتی، ۱۳۹۸: ۹۰)، شیروان جمهوری آذربایجان (Abbasova, 2019: Tablo 19)، کهنه گوراب گیلان (رنوف و همکاران، ۱۳۹۹).
۶	بدنه	ظریف	کانی	چرخ	کافی	ظریف	نخودی	لعاب سبز	کننده زیرلعاب	Kroll & Kleiss, 1979), کامیاران کردستان (فریدون‌پور و همکاران، ۱۳۹۹: ۶۴۳)، قلعه سانسبز طارم (کریمی و همکاران، ۱۳۹۹، ۶۹۸)، کبود و مدور مراغه ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۱)
۷	بدنه	ظریف	کانی	چرخ	کافی	ظریف	آجری	لعاب زرد	نقاشی زیر لعاب	-
۸	بدنه	متوسط	کانی	چرخ	کافی	متوسط	قهوه‌ای تیره	قهوه‌ای تیره	نیشگونی	قلعه بسطام (Kroll & Kleiss, 1979)، کبود و مدور مراغه (ستارنژاد و همکاران، ۱۴۰۰: ۷۱)





تصویر ۵- یافته‌های شاخص محوطه اوجاق آرتاوایل تایر

جدول ۳- مشخصات یافته‌های فرهنگی ترانسه‌های کاوش شده

شماره	یافته	ترانسه	لوکوس	جنس	ابعاد cm	تزیین	توضیح
۱	ظرف سفالی	۳	۳۰۳	گل پخته	ارتفاع ۱۲/۵ و عرض ۷/۵	ندارد	یک ظرف سفالی کامل
۲	مهره	۳	۳۰۳	استخوانی	قطر ۱/۸ و ارتفاع ۰/۸	دارد	تزیینات کنده به تعداد ۱۱ شیار و به صورت دورانی ایجاد شده است. احتمالاً از استخوان شتر باشد.
۳	میخ	۳	۳۰۳	آهنی	طول ۱۰ و ضخامت ۱	ندارد	سطح آن رسوب گرفته است
۴	ظرف	۵	۵۰۳	مفرغی	طول ۱۵، عرض ۱۰ و ارتفاع ۴/۵	ندارد	ناقص بوده و سطح آن را رسوب پوشانده است.
۵	سنگ ساب	۵	۵۰۳	سنگ رسوبی	طول ۳۵، عرض ۲۵ و ضخامت ۶	ندارد	ناقص است.
۶	دستبند	سطحی	-	شیشه	طول ۵، قطر ۰/۵	دارد	به رنگ فیروزه‌ای و تزیینات شیار روی بدنه
۷	دست‌افزار	سطحی	-	سنگ اَبسیدین	طول ۲/۵ و عرض ۲/۳	ندارد	دارای سکوی ضربه است